



مرکز حقوق کیفری بین‌المللی ایران  
Iranian Center for  
International Criminal Law

## گزارش دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی درباره وضعیت افغانستان

سال ۲۰۱۶ میلادی

تحت نظارت سازمان ملل دولت موقتی در افغانستان تشکیل گردید. در بازه زمانی می تا ژوئن ۲۰۰۲، یک دولت انتقالی جدید افغان حاکمیت را به دست آورد، لیکن درگیری‌ها در مناطق مشخصی از کشور، و عمدتاً در جنوب، ادامه یافت. پس از آن، شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ۱۳۸۶ «نیروی‌های بین‌المللی کمک به امنیت» (ایساف) را تشکیل داد که بعدها تحت فرماندهی ناتو قرار گرفت.

۱۹۶. طالبان و دیگر گروه‌های مسلح، از سال ۲۰۰۳ نفوذ خود را به خصوص در جنوب و شرق افغانستان دوباره بازیافته‌اند. دست کم از ماه می سال ۲۰۰۵ میلادی، رویارویی مسلحانه در ایالت‌های جنوبی و شرقی افغانستان بین گروه‌های سازمان یافته مسلح، به طور خاص طالبان، و نیروهای نظامی افغان و نیروهای بین‌المللی شدت گرفته است. بعلاوه نبرد به نقاط شمال و غرب افغانستان از جمله اطراف کابل نیز گسترش یافته است. رویارویی مسلحانه دولت افغانستان را مقابل گروه‌های مسلح به طور عمده شامل طالبان، شبکه حقانی و حزب اسلامی (گلبدین) قرار داده است. نیروهای بین‌المللی مستقر شده برای حمایت از دولت افغانستان، مأموریت نظامی خود را در دسامبر سال ۲۰۱۴ پایان دادند، اگرچه این نیروها در تعداد کمتری عمدتاً در نقش آموزشی، مشورتی و امدادی در افغانستان باقی مانده‌اند.

### صلاحیت موضوعی

وضعیت افغانستان معمولاً به عنوان یک رویارویی مسلحانه با ماهیت غیربین‌المللی، بین دولت افغانستان با

### پیشینه شکلی

۱۹۲. دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، ۱۱۲ گزارش مطابق ماده ۱۵ اساسنامه رم در ارتباط با وضعیت افغانستان دریافت کرده است. ارزیابی مقدماتی وضعیت افغانستان در سال ۲۰۰۷ اعلان رسمی شد.

### موضوعات مقدماتی ناظر به صلاحیت

۱۹۳. افغانستان سند تصویب اساسنامه رم را در دهم فوریه سال ۲۰۰۳ تودیع نمود. بنابراین، دیوان کیفری بین‌المللی براساس اساسنامه رم نسبت به جرایم ارتكابی در قلمرو افغانستان یا توسط اتباع آن، از اول می ۲۰۰۳ به بعد صلاحیت دارد.

۱۹۴. در ارتباط با جرایمی که در زمینه درگیری‌های مسلحانه در افغانستان و مرتبط با آن بوده، اما در قلمرو دیگر کشورهای عضو اساسنامه ارتكاب یافته‌اند، اساسنامه رم در لهستان و رومانی از اول جولای ۲۰۰۲، و در لیتوانی از اول اوت ۲۰۰۳ لازم الاجرا شد.

### پیشینه زمینه‌ای

۱۹۵. پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در واشنگتن دی‌سی و نیویورک، ائتلافی به رهبری ایالات متحده حملات هوایی و عملیات‌های زمینی علیه طالبان، پناهگاه احتمالی اسامه بن لادن، شروع نمود. در پایان آن سال طالبان از قدرت برکنار شدند و در دسامبر ۲۰۰۱

حمایت ایساف و ایالات متحده از یک طرف (نیروهای طرفدار دولت) و گروه‌های مسلح غیردولتی، به ویژه طالبان (گروه‌های مخالف دولت) از طرف دیگر در نظر گرفته می‌شود. مشارکت نیروهای بین‌المللی ماهیت غیربین‌المللی این رویارویی‌ها را تغییر نمی‌دهد چراکه این نیروها در حمایت از تشکیل دولت انتقالی ۱۹ ژوئن ۲۰۰۲ افغانستان درگیر مداخله شدند.

۱۹۸. در نتیجه رسیدگی صورت داده شده، دفتر دادستان احراز کرده است که مبنای معقولی بر این باورمندی وجود دارد که حداقل، جرایم زیر در صلاحیت دیوان رخ داده است:

الف. جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی گروه طالبان و اعضا وابسته به شبکه حقانی

ب. جرایم جنگی شکنجه و بدرفتاری نیروهای دولت افغانستان به ویژه سازمان اطلاعات (اداره ملی امنیت) و پلیس ملی افغانستان

پ. جرایم جنگی شکنجه و بدرفتاری نیروهای ایالات متحده مستقر در افغانستان و بازداشتگاه‌های محرمانه سازمان مرکزی اطلاعات عمدتاً در سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۴، اگرچه در برخی موارد ادعایی تا سال ۲۰۱۴ ادامه یافته است.

۱۹۹. جرایم فوق‌الذکر بنا بر ادعا، در تمام ۳۴ ایالت افغانستان ارتکاب یافته است. به نظر می‌رسد قندهار و هلمند تحت تاثیر قرار گرفته‌ترین ایالت‌ها با درجه بالایی از خشونت‌های مرتبط در طول دوره مربوطه بوده‌اند. بعلاوه، تعداد محدودی از جرایم منتسب به درگیری مسلحانه افغانستان در قلمروی سرزمینی دیگر اعضای اساسنامه یعنی لهستان، لیتوانی و رومانی ارتکاب یافته‌اند. این بدان دلیل است افراد دستگیر شده در رویارویی مسلحانه افغانستان از جمله اعضای طالبان یا القاعده به بازداشتگاه‌های واقع در آن کشورها منتقل شدند.

۲۰۰. این جرایم بنابر ادعا در طول تمام دوره زمانی بررسی صلاحیت دیوان از اول می ۲۰۰۳ تا به امروز ارتکاب یافته‌اند. از آنجا که اطلاعات موجود مبنای معقولی بر این باور فراهم آورده است که حداقل برخی از جرایم مورد صلاحیت دیوان در قلمرو لهستان قبل از اول می ۲۰۰۳ ارتکاب یافته‌اند، دادستان می‌تواند بطور بالقوه بدنبال مجوزی باشد برای تحقیق کردن نه تنها

نسبت به جرایم مورد ادعای ارتکاب یافته شده در افغانستان از اول می ۲۰۰۳، بلکه نسبت به سایر جرایم که به اندازه کافی مربوط به وضعیت افغانستان می‌باشند اما خارج از افغانستان و از اول جولای ۲۰۰۲ میلادی به بعد ارتکاب یافته باشند.

۲۰۱. همچنین، دفتر دادستان اتهامات نیروهای بین‌المللی در افغانستان در تلفات غیرنظامیان را بررسی کرده است. از سال ۲۰۰۹، نیروی امداد سازمان ملل (یوناما) آغاز به ثبت سیستماتیک تلفات کرد که تلفات نزدیک به ۱۶۰۰ غیرنظامی را ثبت کرده است.

۲۰۲. دفتر دادستان با بررسی اطلاعات بسیاری از وقایع منتسب به نیروهای بین‌المللی مشخص کرده است که اگرچه عملیات‌ها منجر به تلفات تصادفی غیرنظامیان و آسیب رسیدن به آنها شده است، در بسیاری از وقایع اطلاعات موجود مبنای معقول بر این باور ارائه نداده است که نیروهای نظامی جمعیت غیرنظامی را قصد کرده‌اند و یا آنکه غیرنظامیانی که مشارکت مستقیم در درگیری نداشته‌اند هدف حملات بوده باشند.

۲۰۳. همچنین دفتر دادستان چند حادثه دیگر منسوب به نیروهای بین‌المللی را شناسایی کرده است لیکن با توجه به کمبود اطلاعات موجود در این مرحله، نتوانسته است احراز نماید آیا مبنای منطقی به این باور وجود دارد جرایم در حوزه صلاحیت دیوان اتفاق افتاده باشد. به ویژه آنکه، یک ارزیابی عمیق نیازمند مدارکی حملات است تا تعیین گردد آیا تلفات غیرنظامیان به آستانه جرایم جنگی در حوزه صلاحیت دیوان رسیده است.

۲۰۴. این اتهامات و اتهامات مشابه بایستی اگر در قلمروی وضعیت افغانستان باشد می‌تواند مور بررسی بیشتر واقع گردد که نیازمند آن است شعبه پیش-دادرسی در موعد مقرر اجازه رسیدگی داده و البته منوط به نتایج اعمال خط مشی دفتر دادستان در ارتباط با گزینش پرونده‌ها و اویت دهی است.

## اعمال ارتكابی اعضای طالبان و گروه‌های مسلح وابسته

۲۰۵. دفتر دادستان اطلاعات موجود در ارتباط با جرایم ارتكابی گروه‌های مسلح مخالف دولت بویژه طالبان و گروه‌های وابسته را در چارچوب درگیری‌های مسلحانه افغانستان بررسی کرده است. طبق این اطلاعات، گروه‌های مسلح مخالف دولت مسئول مرگ بیش از ۱۷۰۰۰ غیرنظامی در بازه زمانی ژانویه ۲۰۰۷ تا دسامبر ۲۰۱۵ می‌باشند. گروه‌های شورشی از می ۲۰۰۳ حملات متعددی علیه مکان‌های حمایت شده، شامل مدارس، ادارات غیرنظامی دولتی، بیمارستان‌ها، زیارتگاه‌ها و مساجد و سازمان‌های بشردوستانه آغاز کرده‌اند.

۲۰۶. مبنای معقولی بر این باور وجود دارد که طالبان و اعضای وابسته، جرایم علیه بشریت از طریق کشتار (ماده ۷(۱)(a)) حبس و یا دیگر محرومیت‌های شدید آزادی-های فیزیکی (ماده ۷(۱)(e))، و تعقیب و ایدای گروه یا تجمع قابل تعیین بر مبنای سیاسی و یا جنسیتی (ماده ۷(۱)(h)) را مرتکب شده‌اند. این جرایم به مثابه بخشی از یک حمله گسترده و/یا نظام مند علیه غیرنظامیان حامی دولت افغانستان و نهادهای خارجی<sup>۱</sup> یا مخالف عقاید و قواعد طالبان شامل زنان و دختران مشغول به کار، زنان مشارکت کننده در امور عمومی، یا دختران دانش آموز پس از سن بلوغ ارتکاب شده‌اند. این جرایم شامل ارتکاب متعدد اعمال خشونت آمیزی است که در راستای خط مشی رهبری طالبان برای بدست گرفتن قدرت از دولت افغانستان و تحمیل حکومت و نظام باورهای خود با قدرت مرگبار می‌باشد.

۲۰۷. دفتر دادستانی براساس اطلاعات موجود در این مرحله احراز نمود که مبنای معقولی براین باور وجود دارد که از اول می ۲۰۰۳، طالبان و اعضا آنها حداقل جرایم جنگی زیر را در حین درگیری مسلحانه غیر بین المللی مرتکب شده‌اند:

کشتار (ماده ۸(۲)(c)(i)) هدایت عمدی حملات علیه جمعیت غیرنظامی (ماده ۸(۲)(e)(i))، هدایت عمدی حملات علیه پرسنل امداد بشردوستانه (ماده ۸

(۲)(e)(iii)) هدایت عمدی حملات به مکان های حمایت شده (ماده ۸(۲)(e)(v)(i))، سربازگیری و به خدمت گرفتن کودکان زیر پانزده سال یا بکارگیری آنان جهت مشارکت فعال در درگیری ها (ماده ۸(۲)(e)(vi))، کشتن یا زخمی کردن خائنانه مبارزان (ماده ۸(۲)(e)(ix)). این جرایم جنگی به میزان گسترده به عنوان بخشی از یک طرح یا سیاست ارتکاب یافته‌اند.

### افعال ارتكابی مقامات افغان

۲۰۸. منابع بسیاری، از جمله کمیسیون حقوق بشر مستقل افغانستان، یوناما UNAMA، و کمیته حقیقت یاب منصوب شده رئیس جمهور افغانستان در سال ۲۰۱۳، رواج شکنجه در مراکز بازداشت دولت افغانستان را گزارش کرده‌اند. این رفتار بازتاب دهنده یک الگوی قدیمی مجرمانه است که به سال ۱۹۷۸ یعنی آغاز رویارویی باز می‌گردد که نسبت به آن یک وضعیت مصونیت مطلق تداوم دارد. در حال حاضر تخمین زده می‌شود حدود ۳۵ الی ۵۰٪ بازداشت شدگان مربوط به درگیری‌ها در بازداشتگاه‌های افغانستان در معرض شکنجه هستند.

۲۰۹. مبنای معقولی براین باور وجود دارد که مقامات افغانستان جرایم جنگی شکنجه و رفتار بی رحمانه طبق ماده ۸(۲)(c)(i)) هتک حرمت کرامت انسانی طبق ماده ۸(۲)(c)(i) و خشونت های جنسی طبق ماده ۸(۲)(e)(vi)) را مرتکب شده‌اند. مقامات دولتی متهم به شکنجه بازداشت شدگان شامل اداره امنیت ملی افغانستان (NDS)، پلیس ملی افغانستان (ANP)، ارتش ملی افغانستان (ANA)، پلیس ملی مرزی افغانستان (ANBP) و پلیس محلی افغانستان (ALP) می‌باشند.

۲۱۰. اطلاعات موجود دلالت براین امر نمی‌کند که جرایم ادعایی ارتکاب یافته شده از سوی نیروهای افغان علیه بازداشت شدگان مخاصمه، به مثابه بخشی از طرح ها یا سیاست ها در سطح ملی باشد. اگرچه اطلاعات موجود در برخی موارد دلالت می‌کند که جرایم منسوب به عنوان بخشی از یک یا چند طرح یا سیاست یک مرکز، منطقه یا ایالت ارتکاب یافته باشند. همچنین

22. نهادهای خارجی حاضر در افغانستان شامل نیروهای نظامی بین‌المللی، شرکت های نظامی خصوصی، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی، شرکت‌های بین‌المللی و رسانه‌های بین‌المللی است.

اطلاعات موجود نشان می‌دهد جرایم ادعایی به میزان گسترده‌ای ارتکاب یافته است.

## افعال ارتكابی اعضای نیروهای ایالات متحده و سازمان CIA

۲۱۱. اطلاعات موجود مبنای معقولی براین باور فراهم می‌کند که در زمان بازجویی بازداشت شدگان، اعضای نیروهای مسلح ایالات متحده و سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) به شیوه‌هایی متوسل شده‌اند که منتهی به ارتکاب جرایم جنگی شکنجه، رفتار بی‌رحمانه، هتک حرمت کرامت انسانی و تجاوز جنسی شده‌اند. چنین افعالی به موجب مواد ۸(۲)(C)(i) و (ii) و ۸(۲)(e)(vi) اساسنامه قابل مجازات هستند. به خصوص:

- اعضای نیروهای مسلح ایالات متحده بین اول می ۲۰۰۳ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴ دست‌کم ۱۶ نفر از بازداشت شدگان در قلمرو افغانستان را تحت شکنجه، رفتارهای بی‌رحمانه، هتک حرمت کرامت انسانی قرار داده‌اند. بیشتر سوءاستفاده‌ها در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ رخ داده‌اند.

- اعضای سازمان سیا، بین دسامبر ۲۰۰۳ تا مارس ۲۰۰۸ دست‌کم ۲۷ تن از بازداشت شدگان را تحت شکنجه، رفتارهای بی‌رحمانه، هتک کرامت انسانی و یا تجاوز جنسی در قلمرو افغانستان و دیگر کشورهای عضو اساسنامه (یعنی لهستان، رومانی و لیتوانی) قرار داده‌اند. بیشتر سوءاستفاده‌ها در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ رخ داده‌اند.

۲۱۲. جرایم ادعایی به منزله بدرفتاری با افراد اندکی نیست. بلکه به نظر می‌رسد آنها به عنوان بخشی از شیوه‌های بازجویی تایید شده جهت استخراج اطلاعات جاسوسی عملی بازداشت شدگان ارتکاب یافته‌اند. طبق اطلاعات موجود، توسل به چنین شیوه‌های بازجویی، در نهایت از سوی مراجع ذیربط پایان بخشیده شده بودند.

۲۱۳. دفتر دادستانی معتقد است که مبنای معقولی براین باور وجود دارد که این جرایم ادعایی در راستای پیشبرد سیاست یا سیاست‌هایی با هدف استخراج اطلاعات با استفاده از شیوه‌های بازجویی بی‌رحمانه و یا

خشونت‌آمیزی ارتکاب یافته شده‌اند که اهداف ایالات متحده در درگیری‌های افغانستان تقویت می‌کند. به همین ترتیب مبنای معقولی براین باور وجود دارد تمام جرایم مشخص شده در اینجا پیوندی با درگیری‌های افغانستان دارند.

## ارزیابی قابلیت پذیرش

۲۱۴. باشناسایی پرونده‌های برخاسته از رفتار سه گروه مجزای مرتکبین - اعضای طالبان و وابسته‌گان (گروه‌های مخالف دولت) مقامات افغان با اعضای نیروهای مسلح ایالات متحده و یا سازمان سیا - دفتر دادستان احراز نموده است که پرونده‌های بالقوه‌ای که در بستر تحقیق نسبت به وضعیت موجود به وجود آمده‌اند طبق ماده ۵۳ (۱)(b) قابل پذیرش می‌باشد. این یافته مشروط به اطلاعات بیشتری است که مقامات ملی مربوطه در مرحله ارزیابی مقدماتی و یا هر رسیدگی بعدی می‌توانند فراهم کنند.

## اعضای گروه‌های مخالف دولت

۲۱۵. صلاحیت تکمیلی: پارلمان افغانستان در سال ۲۰۰۷ یک عفو عمومی تصویب کرد که در سال ۲۰۰۹ لازم الاجرا گردید. "قانون عفو عمومی و ثبات ملی" برای تمام طرفین متخاصم از جمله اشخاص و گروه‌های که همچنان مخالف دولت اسلامی افغانستان هستند مصونیت قانونی فراهم می‌کند، مصونیت‌های قانونی آن هم بدون مرور زمان یا بدون استثنا کردن جرایم بین المللی از شمول آن. پیش از تصویب قانون عفو، تنها یک عضو عالی رتبه یک گروه مسلح (عبدالله صالح، یکی از فرماندهان اتحاد اسلامی) برای ارتکاب جرایم سال ۱۹۹۲-۹۳ محاکمه شده بود. علاوه براین، گزارش شده است که دو تن از اعضای ارشد شبکه حقانی توسط دادگاه ملی مقدماتی در اوت ۲۰۱۶ برای اتهام نامعلومی محاکمه و محکوم شدند. دولت افغانستان هنوز قرار است تا اطلاعات مربوط به رسیدگی این دو پرونده را جهت انجام ارزیابی کامل قابلیت پذیرش آن‌ها فراهم نماید. بر طبق اطلاعات موجود، به غیر از این دو تن، هیچ یک از رهبران اصلی گروه‌های مسلح مخالف دولت، یا دیگر اعضای که بالاترین مسئولیت را داشته‌اند را مانند کسانی که

دستورات را صادر، تأمینات مالی را فراهم کرده‌اند، تحت تحقیق یا تعقیب قرار نگرفته‌اند.

۲۱۶. شدت: بین ژانویه ۲۰۰۷ و ژوئن ۲۰۱۵، تلفات غیرنظامی حدود ۴۵۰۰۰ (۱۷۰۰۰ مرگ و ۲۸۰۰۰ زخمی) بوده است که به طور عمده به دلیل استفاده از بمب‌های دست‌ساز منسوب به گروه‌های مسلح مخالف دولت بوده است. اطلاعات موجود نشان می‌دهد بسیاری از جرایم منسوب با بی‌رحمی خاصی مانند سربردن و اعدام ارتکاب یافتند. پس از آن، اجساد در مکان‌های عمومی اغلب با نوشته‌ای به مثابه هشدار برای دیگران و باهدف ایجاد رعب و وحشت درمیان جمعیت غیرنظامی محلی و گسترش ترس به عنوان سیستم کنترل نمایش داده می‌شد.

### اعضای مقامات افغانستان

۲۱۷. صلاحیت تکمیلی: دولت تنها رسیدگی‌های محدودی علیه متهمان کرده‌است. علی‌رغم میزان گسترده بدرفتاری در بازداشتگاه‌های ANP و NDS (براساس یافته‌های برنامه نظارت بر بازداشت UNAMA، حدود ۳۵ تا ۵۱ درصد از بازداشت‌شدگان مخاصمه مورد بدرفتاری واقع شده‌اند) اطلاعات ارائه شده دولت افغانستان به UNAMA نشان می‌دهد تا به امروز دولت تنها دو تن از مقامات رسمی NDS (در ارتباط با یک واقعه) را محاکمه کرده است، و هیچ‌یک از مقامات رسمی ANP برای این رفتار تحت پیگرد قرار نگرفته‌اند. دولت افغانستان علی‌رغم درخواست‌های متعدد دفتر دادستان از سال ۲۰۰۸، هیچ‌گونه اطلاعاتی در خصوص رسیدگی‌های ملی ارائه نکرده است؛ دو درخواست در طول دوره این گزارش ارسال شد.

۲۱۸. شدت: بالغ بر ۵۰۰۰ بازداشت‌شده در جریان رویارویی مسلحانه، در زندان دولت افغانستان وجود دارند. شیوه ارتکاب جرایم بسیار وحشتناک به نظر می‌رسند و ظاهراً به نحوی محاسبه شده‌اند که حداکثر رنج ممکن را تحمیل کنند. جرایم مورد اتهام اثرات کوتاه مدت و بلندمدت شدیدی بر سلامت جسمی و روانی بازداشت‌شدگان، از جمله جراحات جسمی دائمی داشته است.

### اعضای نیروهای ایالات متحده و سازمان CIA

۲۱۹. صلاحیت تکمیلی: دادگاه‌های نظامی و مدنی ایالات متحده می‌توانند صلاحیت خود را نسبت به رفتارهای مجرمانه داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی اعمال کنند (یعنی جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و نابودسازی جمعی)، حتی زمانی که خارج از ایالات متحده و توسط اتباع آن دولت ارتکاب یافته باشند.

۲۲۰. در تازه‌ترین پاسخ به کمیته مبارزه با شکنجه (نوامبر ۲۰۱۵) ایالات متحده بیان می‌کند که بیش از ۷۰ مورد تحقیق انجام شده از سوی وزارت دفاع در خصوص اتهام بدرفتاری با زندانیان از سوی پرستل نظامی در افغانستان منتهی به محاکمه توسط محاکم نظامی گردید. نزدیک به ۲۰۰ رسیدگی به بدرفتاری با زندانیان منجر به مجازات غیرقضایی یا توبیخ اداری شد. باین حال اطلاعات عمومی خاص در ارتباط با وقایع و افراد موضوع آن دادرسی محدود است. با توجه به اطلاعات موجود، دادستان قادر به شناسایی هیچ‌یک از افراد نظامی محاکمه شده در دادگاه نظامی به دلیل بدرفتاری با زندانیان که در صلاحیت زمانی و مکانی دیوان بوده‌اند نبود. بسیاری از تحقیقات و تعقیب‌ها مربوط به بدرفتاری با بازداشت‌شدگان در عراق بود. تعداد اندکی (۷) از جلسات دادگاه نظامی برای بدرفتاری اتفاق افتاده در سال ۲۰۰۲ افغانستان بود.

۲۲۱. وزارت دادگستری آمریکا یک بررسی مقدماتی دوساله (از اوت ۲۰۰۹ تا ژوئن ۲۰۱۱) نسبت به اتهامات مربوط به بدرفتاری با بازداشت‌شدگان در بازداشت سازمان اطلاعات مرکزی CIA انجام داد و در آن به بررسی اتهامات بدرفتاری با ۱۰۱ تن از بازداشت‌شدگان پرداخت. با توجه به اطلاعات موجود، حوزه این بازبینی محدود به این بررسی بود که آیا شیوه‌های بازجویی غیرمجاز توسط بازجویان سیا استفاده شده است یا خیر و اگر چنین است آیا چنین رفتاری می‌تواند نقض احکام جزایی قابل اجرا باشد. دادستان کل ایالات متحده در بیانیه عمومی خود در مورد دادرسی‌ها تأکید کرد که وزارت دادگستری افرادی را که با حسن نیت و در محدوده راهنمایی حقوقی ارائه شده از سوی دفتر مشاوره حقوقی در ارتباط با بازجویی از زندانیان عمل کرده باشند، تحت پیگرد قانونی قرار نمی‌دهد. در نتیجه

## نفع عدالت

در پرتو ماموریت دفتر دادستانو همچنین هدف اساسنامه و با در نظر گرفتن شدت جرایم و منافع قربانیان، براساس اطلاعات موجود دفتر دادستان دلیل محکمی نمی‌تواند داشته باشد برای باور به اینکه آغاز تحقیقات به نفع عدالت نباشد.

## فعالیت‌های OTP

۲۲۶. در طول دوره گزارش، دفتر دادستان فعالیت خود را بر به نتیجه رساندن ارزیابی جامع معیارهای اساسنامه متمرکز نمود برای تصمیم‌گیری درباره اینکه آیا مبنای معقولی برای ادامه تحقیقات در وضعیت افغانستان به موجب ماده ۵۳(۱) اساسنامه وجود دارد یا خیر. در این فرایند، دفتر دادستان با افرادی از جمله مقامات دولتی به منظور جمع‌آوری اطلاعات بیشتر مربوط به ارزیابی قابلیت پذیرش و نفع عدالت در تماس بود. دولت افغانستان هنوز به دنبال ارایه اطلاعات در پاسخ به درخواست مستمر دفتر دادستانی جهت کسب اطلاعات بیشتر برای رسیدگی مربوطه در سطح ملی می‌باشد.

۲۲۷. در چارچوب ارزیابی اینکه آیا پرونده‌های بالقوه دارای شدت کافی برای توجیه اقدامات بیشتر دیوان بر اساس خط مشی دفتر دادستان درباره جرایم جنسی و جرایم مبتنی بر جنسیت می‌باشد یا خیر، دفتر دادستان تاثیر جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت بر قربانیان و جوامع آنها را در نظر گرفته است. دفتر دادستانی احراز نمود که اعمال خشونت آمیز مانند جرایم علیه بشریت از طریق تعقیب و ایذای مبتنی بر جنسیت تأثیر بسیار شدیدی بر زندگی زنان و دختران داشته است. آموزش دختران مورد حمله مداوم بوده است، بنابراین هزاران دختر از حق دسترسی به آموزش محروم شده‌اند. زنانی که پس از فوت یا آسیب همسرانشان در تأمین درآمد خانواده تنها شدند، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی طولانی مدت تجربه کرده‌اند. با فقر اجباری، بسیاری از زنان مجبور به ازدواج درآوردن دخترانشان در ازای بدهی‌ها شده و یا فرزندانشان را از مدرسه رفتن برای کارکردن مانع شدند. زنان بی همسر غالباً در مقابل اشکال خشونت و سوءاستفاده از خانواده آسیب پذیر بوده‌اند.

این بررسی، دادستان کل فقط در مورد پرونده دو تن از بازداشت شدگان که در بازداشتگاه سیا فوت کردند تحقیقات کیفری کاملی انجام داد. تحقیقات این دو پرونده در اوت ۲۰۱۲ تکمیل شد و منجر به هیچ کیفرخواست و یا تعقیب نشد زیرا بر طبق گزارش دادستان کل، ادله قابل پذیرش برای تحصیل و اثبات محکومیتی ورای شک معقول، کافی نبود.

۲۲۲. درحالی که به نظر می‌رسد دادرسی‌ها به رفتار بازجویان و حوادثی که در آن شیوه‌های بازجویی غیرمجاز بوده محدود شده است، دفتر دادستان تا قبل از نهایی شدن تصمیم خود در مورد قابلیت پذیرش پرونده‌های بالقوه، در جستجوی بدست آوردن توضیحات بیشتر در مورد دامنه بررسی‌های مقدماتی مربوطه و رسیدگی‌ها می‌باشد.

۲۲۳. تحقیقات کیفری مربوط به جرایم ارتكابی در رابطه با بازداشتگاه‌های سیا در قلمرو لهستان، رومانی و لیتوانی در حال انجام است. اطلاعات موجود نتوانسته است دفتر دادستان را به احراز مولفه‌های اصلی پرونده‌های در حال رسیدگی قادر سازد، آنچنان که بتوان گفت آیا قلمروی آنها پرونده‌های بالقوه تحت تحقیق را پوشش می‌دهد یا خیر.

۲۲۴. شدت: اطلاعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد حداقل ۸۸ تن در بازداشتگاه‌های ایالات متحده شکنجه شدند. اطلاعات موجود حاکی از آن است قربانیان به طور عمدی تحت خشونت جسمی و روانی قرار گرفته‌اند و جرایم منسوب با بی‌رحمی خاص ارتكاب یافته‌اند، طوری که شأن و منزلت انسانی ذاتی قربانیان را نقض کنند. اعمال "شیوه‌های بازجویی پیشرفته" در مجموع و در ترکیب بایکدیگر در یک دوره طولانی مدت موجب صدمات جسمی و روانی جدی بر قربانیان می‌شوند. طبق گزارش‌ها، برخی از قربانیان مشکلات روحی و رفتاری مانند توهم، پارنویا، بی‌خوابی و خودزنی و خودآزاری نشان داده‌اند. شدت جرایم ارتكابی با ملاحظه این واقعیت که آنها متعاقب برنامه‌ها یا سیاست‌های تأیید شده در سطح مقامات ارشد و متعاقب مذاکرات دقیق و گسترده، ارتكاب یافته‌اند افزایش می‌یابد.

۲۲۸. دفتر دادستان همچنین با افراد دیگر جهت به بحث گذاشتن موضوعاتی مانند نفع عدالت، منافع قربانیان و شدت جرایم ارتکاب یافته در افغانستان در تماس بوده است. این بحث ها به دادستان در احراز آنکه آیا دلایل مستحکمی برای باورمندی به آنکه یک تحقیق نمی تواند به نفع عدالت باشد کمک نمود.

۲۲۲. دفتر دادستان همچنین فرصت هایی برای تقویت فعالیت های همکاری خود با ایالت های مربوط و دیگر اعضای خارجی اتخاذ کرد که تاکید می است بر آنکه همکاری موثر اهمیت بسیاری بر کار دفتر دادستان در این وضعیت دارد.

### نتیجه گیری

۲۳۰. دفتر دادستان در حال به نتیجه رساندن ارزیابی خود را از معیارهای تنظیم شده در ماده ۵۳(۱)(a) تا (c) می باشد، و به زودی تصمیم نهایی خواهد گرفت که آیا از شعبه مقدماتی دیوان درخواست کند بزودی رسیدگی وضعیت جمهوری اسلامی افغانستان از اول می سال ۲۰۰۳ آغاز گردد.



مرکز حقوق کیفری بین المللی ایران  
Iranian Center for  
International Criminal Law

[www.icicl.org](http://www.icicl.org)

[info@icicl.org](mailto:info@icicl.org)

Address:  
5037 JV, the Netherlands

تهیه شده در:

مرکز حقوق کیفری بین المللی ایران

با همکاری خانم مهشید ذکاوتی